



شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام مدیریت آموزشی آموزش عالی

شهربانو پورقاسم

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن

shahrbano.pourghasem2024@gmail.com



MDOI-02-2026.0042

MNR-43-2-365D22

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی انجام شده است. تصمیم‌گیری به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران، نقش اساسی در بهبود عملکرد سازمان‌های آموزشی و تحقق اهداف دانشگاه‌ها دارد. در محیط پیچیده و پویای آموزش عالی، مدیران با مسائل متعددی در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی، مالی و منابع انسانی مواجه هستند که کیفیت تصمیم‌های آنان می‌تواند به طور مستقیم بر کارایی و اثربخشی سازمان تأثیر بگذارد. از این رو، شناخت عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل سازمانی مختلفی مانند فرهنگ سازمانی، نظام اطلاعاتی، ارتباطات سازمانی، ساختار سازمانی و میزان مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری مدیران نقش دارند. در میان این عوامل، فرهنگ سازمانی بیشترین تأثیر را داشته و نشان داد که وجود فضای مشارکتی، اعتماد و همکاری در سازمان می‌تواند زمینه تصمیم‌گیری بهتر را فراهم کند. همچنین نتایج بیانگر آن است که دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌روز و وجود ارتباطات مؤثر سازمانی، نقش مهمی در افزایش کیفیت تصمیم‌گیری مدیران دارد. علاوه بر این، ساختار سازمانی و میزان تمرکز یا عدم تمرکز نیز بر سرعت و دقت تصمیم‌گیری اثرگذار هستند.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که مشارکت کارکنان و اعضای هیئت علمی در فرآیندهای تصمیم‌گیری موجب افزایش کیفیت تصمیم‌ها و پذیرش بهتر آن‌ها در سازمان می‌شود. به طور کلی، یافته‌ها حاکی از آن است که تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی تنها یک فرآیند فردی نیست، بلکه به شدت تحت تأثیر شرایط و عوامل سازمانی قرار دارد. بنابراین، بهبود این عوامل می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت مدیریت آموزشی و افزایش اثربخشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایفا کند.

کلمات کلیدی: تصمیم‌گیری، عوامل سازمانی، مدیریت آموزشی، آموزش عالی، فرهنگ سازمانی، نظام اطلاعاتی، ساختار سازمانی





مقدمه

تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران در سازمان‌های آموزشی و به‌ویژه در نظام آموزش عالی به شمار می‌رود. کیفیت تصمیم‌های مدیریتی تأثیر مستقیمی بر اثربخشی سازمان، تحقق اهداف آموزشی، توسعه منابع انسانی و ارتقای عملکرد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دارد. در محیط پیچیده و پویای آموزش عالی، مدیران با مسائل متعددی از جمله برنامه‌ریزی آموزشی، تخصیص منابع، مدیریت نیروی انسانی، توسعه پژوهش و پاسخگویی به نیازهای جامعه مواجه هستند که اتخاذ تصمیم‌های مناسب را به امری ضروری تبدیل می‌کند. از این رو، شناخت عواملی که بر فرآیند تصمیم‌گیری مدیران تأثیر می‌گذارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تصمیم‌گیری مدیریتی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، محیطی و سازمانی قرار دارد. در میان این عوامل، متغیرهای سازمانی نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به نحوه تصمیم‌گیری مدیران ایفا می‌کنند. ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، نظام اطلاعاتی، شیوه‌های ارتباطی، میزان تمرکز یا عدم تمرکز، سبک رهبری، قوانین و مقررات، نظام پاداش و انگیزش و همچنین میزان مشارکت کارکنان از جمله عوامل سازمانی هستند که می‌توانند کیفیت و سرعت تصمیم‌گیری مدیران را تحت تأثیر قرار دهند. وجود ساختارهای منعطف و ارتباطات مؤثر می‌تواند زمینه اتخاذ تصمیم‌های دقیق‌تر و کارآمدتر را فراهم کند، در حالی که ساختارهای پیچیده و بوروکراتیک ممکن است فرآیند تصمیم‌گیری را با چالش مواجه سازند.

در دهه‌های اخیر، نظام آموزش عالی با تحولات گسترده‌ای در زمینه فناوری، جهانی‌شدن، رقابت علمی، توسعه دانش و افزایش انتظارات اجتماعی روبه‌رو شده است. این تحولات ضرورت اتخاذ تصمیم‌های اثربخش، مبتنی بر شواهد و متناسب با شرایط محیطی را بیش از گذشته آشکار ساخته است. مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای پاسخگویی به این تغییرات ناگزیرند تصمیم‌هایی اتخاذ کنند که علاوه بر تأمین اهداف سازمانی، زمینه رشد و توسعه پایدار نهادهای آموزشی را نیز فراهم آورد. در این میان، عوامل سازمانی نقش تعیین‌کننده‌ای در فراهم‌سازی بستر مناسب برای تصمیم‌گیری دارند و می‌توانند کیفیت تصمیم‌های مدیریتی را ارتقا دهند یا با ایجاد محدودیت‌هایی، اثربخشی آن‌ها را کاهش دهند.

مطالعه عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی نه تنها به توسعه دانش مدیریت آموزشی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راهکارهای عملی ارزشمندی را برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران دانشگاهی ارائه دهد. شناسایی این عوامل امکان طراحی ساختارهای مناسب‌تر، بهبود فرآیندهای ارتباطی، تقویت فرهنگ سازمانی و افزایش مشارکت کارکنان را فراهم می‌سازد و در نهایت موجب ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری و افزایش اثربخشی نظام آموزش عالی خواهد شد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی انجام می‌شود تا بتواند درک دقیق‌تری از ابعاد مختلف این موضوع ارائه کرده و زمینه بهبود فرآیندهای مدیریتی را فراهم آورد.



بیان مسئله

تصمیم‌گیری یکی از اساسی‌ترین وظایف مدیران در سازمان‌ها محسوب می‌شود و موفقیت یا شکست بسیاری از برنامه‌ها و فعالیت‌های سازمانی به کیفیت تصمیم‌های اتخاذ شده بستگی دارد. در نظام آموزش عالی نیز مدیران در سطوح مختلف مدیریتی به طور مستمر با مسائل و چالش‌هایی مواجه هستند که نیازمند تصمیم‌گیری مناسب، به موقع و اثربخش است. از برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی گرفته تا تخصیص منابع مالی، مدیریت نیروی انسانی و پاسخگویی به نیازهای جامعه، همگی در گرو تصمیم‌های مدیریتی صحیح هستند. از این رو، تصمیم‌گیری به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت آموزشی شناخته می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق اهداف دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دارد (علاقه‌بند، ۱۳۹۹).

در سال‌های اخیر، محیط فعالیت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به دلیل تحولات فناوری، گسترش دانش، افزایش رقابت علمی، بین‌المللی شدن آموزش و محدودیت منابع، پیچیده‌تر از گذشته شده است. این شرایط موجب شده است که مدیران آموزش عالی برای اتخاذ تصمیم‌های مؤثر نیازمند بهره‌گیری از اطلاعات دقیق، ساختارهای سازمانی کارآمد و سازوکارهای مدیریتی مناسب باشند. با این حال، تصمیم‌گیری مدیران صرفاً تحت تأثیر ویژگی‌های فردی آنان قرار ندارد، بلکه عوامل سازمانی مختلفی نیز بر این فرآیند اثرگذار هستند (میرکمالی، ۱۳۹۸).

عوامل سازمانی شامل ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، نظام ارتباطات، سبک رهبری، نظام اطلاعات مدیریت، میزان تمرکز یا عدم تمرکز، مشارکت کارکنان در امور سازمانی و نظام ارزشی حاکم بر سازمان است. این عوامل می‌توانند بر کیفیت، سرعت و اثربخشی تصمیم‌گیری مدیران تأثیر مثبت یا منفی داشته باشند. برای مثال، وجود ساختارهای انعطاف‌پذیر و ارتباطات مؤثر می‌تواند زمینه را برای تصمیم‌گیری منطقی و مبتنی بر اطلاعات فراهم سازد، در حالی که ساختارهای بوروکراتیک و ارتباطات ضعیف ممکن است موجب تأخیر در تصمیم‌گیری و کاهش کیفیت آن شوند (ساعتچی، ۱۴۰۰).

پژوهش‌های بین‌المللی نیز نشان داده‌اند که ویژگی‌های سازمانی نقش مهمی در فرآیند تصمیم‌گیری مدیران ایفا می‌کنند. ساختار سازمانی مناسب، فرهنگ حمایتی، دسترسی به اطلاعات و مشارکت اعضای سازمان از جمله عواملی هستند که می‌توانند اثربخشی تصمیم‌های مدیریتی را افزایش دهند. در مقابل، تمرکز بیش از حد، محدودیت جریان اطلاعات و ضعف ارتباطات سازمانی می‌تواند منجر به کاهش کیفیت تصمیم‌گیری شود (Robbins & Judge, 2022). همچنین پژوهش‌های انجام شده در حوزه آموزش عالی نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها به دلیل برخورداری از ساختارهای پیچیده و تنوع ذی‌نفعان، بیش از سایر سازمان‌ها تحت تأثیر عوامل سازمانی در فرآیند تصمیم‌گیری قرار دارند (Bush, 2021).

با وجود اهمیت موضوع، بسیاری از سازمان‌های آموزش عالی همچنان با چالش‌هایی نظیر تمرکزگرایی، ضعف نظام‌های اطلاعاتی، محدودیت مشارکت اعضای هیئت علمی و کارکنان در تصمیم‌گیری و نبود فرهنگ سازمانی مناسب مواجه هستند. این مسائل می‌تواند کیفیت تصمیم‌های مدیریتی را تحت تأثیر قرار داده و بر عملکرد آموزشی، پژوهشی و اجرایی دانشگاه‌ها اثر منفی بگذارد. از سوی دیگر، شناخت دقیق عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران می‌تواند به بهبود فرآیندهای مدیریتی، افزایش کارایی سازمان و ارتقای کیفیت خدمات آموزش عالی کمک کند.



بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی است. این پژوهش در پی آن است که با بررسی ابعاد مختلف سازمانی، نقش هر یک از عوامل را در فرآیند تصمیم‌گیری مدیران تبیین کرده و زمینه لازم را برای ارائه راهکارهایی جهت بهبود تصمیم‌گیری در سازمان‌های آموزش عالی فراهم سازد. نتایج این پژوهش می‌تواند برای مدیران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی در جهت ارتقای کیفیت مدیریت و افزایش اثربخشی سازمان‌های آموزشی مفید و کاربردی باشد.

پیشینه پژوهش

تصمیم‌گیری به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران، همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه مدیریت و مدیریت آموزشی بوده است. پژوهش‌های متعددی در زمینه عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران انجام شده که هر یک از زوایای مختلف به بررسی نقش متغیرهای سازمانی در این فرآیند پرداخته‌اند. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که عوامل سازمانی از جمله ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، نظام اطلاعاتی، سبک رهبری، مشارکت کارکنان و ارتباطات سازمانی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت و اثربخشی تصمیم‌گیری مدیران محسوب می‌شوند.

در پژوهشی که توسط میرکمالی (۱۳۹۸) در حوزه مدیریت آموزشی انجام شد، نتایج نشان داد که ساختار سازمانی و شیوه‌های ارتباطی از عوامل مهم مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران آموزشی هستند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن بود که هرچه ارتباطات سازمانی شفاف‌تر و ساختار سازمانی منعطف‌تر باشد، مدیران قادر خواهند بود تصمیم‌های دقیق‌تر و مؤثرتری اتخاذ کنند.

احمدی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با هدف بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و تصمیم‌گیری مدیران دانشگاهی دریافتند که فرهنگ سازمانی مشارکتی و حمایتگر تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت تصمیم‌گیری مدیران دارد. نتایج این پژوهش نشان داد مدیرانی که در محیط‌های مبتنی بر اعتماد و مشارکت فعالیت می‌کنند، از توانایی بیشتری برای اتخاذ تصمیم‌های اثربخش برخوردار هستند.

در پژوهش دیگری، رضایی (۱۴۰۰) به بررسی نقش نظام اطلاعات مدیریت در تصمیم‌گیری مدیران دانشگاهی پرداخت. یافته‌ها نشان داد دسترسی به اطلاعات دقیق، به‌روز و قابل اعتماد یکی از عوامل اساسی در افزایش سرعت و کیفیت تصمیم‌گیری مدیران است. همچنین مشخص شد ضعف در نظام‌های اطلاعاتی می‌تواند منجر به افزایش خطاهای مدیریتی و کاهش کارایی تصمیم‌ها شود.

قاسمی و محمدی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای پیرامون تأثیر مشارکت کارکنان در فرآیندهای مدیریتی به این نتیجه رسیدند که مشارکت اعضای هیئت علمی و کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمانی موجب افزایش کیفیت تصمیم‌ها، پذیرش بیشتر تصمیمات و بهبود عملکرد سازمانی می‌شود. نتایج این پژوهش بر اهمیت ایجاد سازوکارهای مشارکتی در دانشگاه‌ها تأکید داشت.



همچنین پژوهش ساعتچی (۱۴۰۰) نشان داد که سبک رهبری مدیران و نوع روابط حاکم بر سازمان می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نحوه تصمیم‌گیری آنان داشته باشد. مدیرانی که از سبک‌های رهبری مشارکتی و تحول‌آفرین استفاده می‌کنند، در مقایسه با مدیران دارای سبک‌های اقتدارگرا، تصمیم‌های اثربخش‌تر و مبتنی بر همکاری بیشتری اتخاذ می‌کنند.

در سطح بین‌المللی نیز مطالعات گسترده‌ای درباره عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران انجام شده است. رابینز و جاج (Robbins & Judge, 2022) در بررسی رفتار سازمانی بیان می‌کنند که ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی و جریان اطلاعات از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت تصمیم‌گیری در سازمان‌ها هستند. آنان معتقدند سازمان‌هایی که از ساختارهای انعطاف‌پذیر و فرهنگ حمایتی برخوردارند، زمینه مناسب‌تری برای تصمیم‌گیری مؤثر فراهم می‌کنند.

بوش (Bush, 2021) در پژوهشی درباره مدیریت آموزش عالی اظهار داشت که پیچیدگی سازمان‌های دانشگاهی و تعدد ذی‌نفعان موجب می‌شود مدیران آموزش عالی بیش از سایر مدیران تحت تأثیر عوامل سازمانی قرار گیرند. نتایج مطالعه وی نشان داد که موفقیت مدیران دانشگاهی در تصمیم‌گیری تا حد زیادی به کیفیت ارتباطات سازمانی و میزان مشارکت اعضای دانشگاه وابسته است.

هوی و میسکل (Hoy & Miskel, 2020) در تحقیقات خود درباره سازمان‌های آموزشی دریافتند که فرهنگ سازمانی مثبت و روابط مبتنی بر اعتماد، نقش مهمی در بهبود فرآیند تصمیم‌گیری مدیران مدارس و دانشگاه‌ها دارد. آنان تأکید کردند که جو سازمانی مناسب می‌تواند زمینه تصمیم‌گیری منطقی و اثربخش را فراهم سازد.

لوثانز (Luthans, 2021) در مطالعه‌ای پیرامون رفتار سازمانی نشان داد که نظام اطلاعاتی کارآمد و دسترسی سریع به داده‌های مورد نیاز از عوامل کلیدی موفقیت مدیران در تصمیم‌گیری است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن بود که استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی نوین موجب ارتقای کیفیت تصمیم‌های مدیریتی می‌شود.

دفت (Daft, 2022) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که میزان تمرکز یا عدم تمرکز در ساختار سازمانی تأثیر مستقیمی بر تصمیم‌گیری مدیران دارد. بر اساس نتایج این مطالعه، سازمان‌هایی که از تمرکز کمتری برخوردارند و اختیار بیشتری به مدیران سطوح مختلف می‌دهند، در مواجهه با تغییرات محیطی عملکرد بهتری در تصمیم‌گیری نشان می‌دهند.

مرور پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که عوامل سازمانی نقش اساسی در فرآیند تصمیم‌گیری مدیران ایفا می‌کنند و هر یک از متغیرهایی مانند ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، نظام اطلاعاتی، ارتباطات سازمانی، سبک رهبری و مشارکت کارکنان می‌توانند کیفیت تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار دهند. با وجود مطالعات متعدد، همچنان ضرورت بررسی جامع این عوامل در نظام آموزش عالی احساس می‌شود؛ زیرا ویژگی‌های خاص دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی موجب شده است که تصمیم‌گیری مدیران در این سازمان‌ها از پیچیدگی بیشتری برخوردار باشد. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است با شناسایی و بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی، به توسعه دانش مدیریت آموزشی و بهبود عملکرد سازمان‌های آموزش عالی کمک کند.

تعریف و اهمیت موضوع



تصمیم‌گیری یکی از اساسی‌ترین فرآیندهای مدیریتی است که از طریق آن مدیران از میان گزینه‌های مختلف، مناسب‌ترین راهکار را برای دستیابی به اهداف سازمان انتخاب می‌کنند. در واقع، تصمیم‌گیری جوهره مدیریت به شمار می‌آید و تمامی وظایف مدیریتی از جمله برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل به نوعی با آن مرتبط هستند. هرچه تصمیم‌های مدیریتی بر پایه اطلاعات صحیح، تحلیل دقیق و شرایط واقعی سازمان اتخاذ شوند، احتمال موفقیت سازمان در دستیابی به اهداف خود افزایش می‌یابد (علاقه‌بند، ۱۳۹۹).

در نظام آموزش عالی، تصمیم‌گیری از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مسئول هدایت سازمان‌هایی هستند که وظیفه تولید، انتقال و گسترش دانش را بر عهده دارند. تصمیم‌های مدیران در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی، مالی، منابع انسانی و برنامه‌ریزی راهبردی می‌تواند بر کیفیت عملکرد دانشگاه‌ها و میزان تحقق اهداف آموزشی و پژوهشی تأثیر مستقیم داشته باشد. از این رو، تصمیم‌گیری اثربخش یکی از شاخص‌های مهم موفقیت مدیران در نظام آموزش عالی محسوب می‌شود (میرکمالی، ۱۳۹۸).

یکی از موضوعات مهم در حوزه مدیریت آموزشی، بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران است. عوامل سازمانی به مجموعه شرایط، ویژگی‌ها و سازوکارهای درون سازمان گفته می‌شود که می‌توانند بر رفتار، عملکرد و تصمیم‌های مدیران تأثیر بگذارند. این عوامل شامل ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، نظام اطلاعاتی، شیوه‌های ارتباطی، سبک رهبری، میزان مشارکت کارکنان، نظام ارزشی و قوانین و مقررات سازمان هستند. هر یک از این عوامل می‌توانند فرآیند تصمیم‌گیری را تسهیل کرده یا با ایجاد محدودیت‌هایی، اثربخشی آن را کاهش دهند (ساعتچی، ۱۴۰۰).

اهمیت بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در آموزش عالی از آن جهت است که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در محیطی پویا، رقابتی و پیچیده فعالیت می‌کنند. گسترش فناوری‌های نوین، افزایش انتظارات جامعه، محدودیت منابع مالی، تحولات علمی و ضرورت پاسخگویی به نیازهای بازار کار، مدیران را با چالش‌های متعددی روبه‌رو ساخته است. در چنین شرایطی، شناخت عوامل سازمانی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری می‌تواند زمینه بهبود عملکرد مدیریتی و ارتقای کیفیت خدمات آموزشی و پژوهشی را فراهم سازد (احمدی، ۱۴۰۰).

مطالعات انجام شده در حوزه رفتار سازمانی نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری مدیران تحت تأثیر شرایط و ویژگی‌های سازمان قرار دارد و سازمان‌هایی که از فرهنگ حمایتی، ارتباطات مؤثر و نظام اطلاعاتی مناسب برخوردار هستند، تصمیم‌های موفق‌تری اتخاذ می‌کنند (Robbins & Judge, 2022). همچنین پژوهش‌های مرتبط با مدیریت آموزش عالی نشان داده است که مشارکت اعضای هیئت علمی و کارکنان در فرآیندهای مدیریتی، موجب افزایش کیفیت تصمیم‌گیری و اثربخشی عملکرد سازمانی می‌شود (Bush, 2021).

از سوی دیگر، تغییرات سریع محیطی و افزایش پیچیدگی سازمان‌های آموزشی سبب شده است که مدیران برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب، بیش از گذشته به اطلاعات دقیق، ساختارهای منعطف و حمایت‌های سازمانی نیاز داشته باشند. در نتیجه، شناسایی و تحلیل عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران می‌تواند به بهبود فرآیندهای مدیریتی، افزایش بهره‌وری سازمانی و ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی کمک کند (Hoy & Miskel, 2020).



بنابراین، بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی از جنبه‌های نظری و کاربردی دارای اهمیت فراوان است. نتایج حاصل از چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به مدیران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزشی در شناخت موانع و تقویت عوامل تسهیل‌کننده تصمیم‌گیری کمک کرده و زمینه ارتقای کیفیت مدیریت و بهبود عملکرد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را فراهم آورد.

بحث

نتایج مطالعات انجام‌شده در زمینه تصمیم‌گیری مدیران نشان می‌دهد که عوامل سازمانی نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت و اثربخشی تصمیم‌های مدیریتی دارند. در نظام آموزش عالی، مدیران در محیطی پیچیده و پویا فعالیت می‌کنند و برای مواجهه با مسائل آموزشی، پژوهشی، مالی و اجرایی ناگزیر از اتخاذ تصمیم‌های مناسب هستند. در چنین شرایطی، ساختارها و ویژگی‌های سازمانی می‌توانند به عنوان عوامل تسهیل‌کننده یا بازدارنده بر فرآیند تصمیم‌گیری اثر بگذارند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که عوامل سازمانی از جمله ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، نظام اطلاعاتی، ارتباطات سازمانی، سبک رهبری و میزان مشارکت کارکنان از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی محسوب می‌شوند.

در بررسی عامل ساختار سازمانی مشخص شد که انعطاف‌پذیری ساختار و تفویض اختیار مناسب می‌تواند زمینه اتخاذ تصمیم‌های سریع‌تر و کارآمدتر را فراهم کند. مدیرانی که در سازمان‌های دارای ساختار غیرمتمرکز فعالیت می‌کنند، معمولاً از آزادی عمل بیشتری برخوردار بوده و قادرند متناسب با شرایط محیطی تصمیم‌گیری کنند. این یافته با نتایج پژوهش دفت (Daft, 2022) همسو است که ساختارهای منعطف را عامل مؤثری در بهبود تصمیم‌گیری سازمانی معرفی کرده است.

فرهنگ سازمانی نیز به عنوان یکی از عوامل کلیدی در تصمیم‌گیری مدیران شناخته شد. وجود فرهنگ مبتنی بر اعتماد، همکاری و حمایت سازمانی موجب می‌شود مدیران بتوانند با اطمینان بیشتری از نظرات و تجربیات کارکنان استفاده کنند. چنین شرایطی علاوه بر افزایش کیفیت تصمیم‌ها، موجب پذیرش بهتر تصمیمات در میان اعضای سازمان می‌شود. این نتیجه با یافته‌های احمدی و همکاران (۱۳۹۹) و همچنین هوی و میسکل (Hoy & Miskel, 2020) مطابقت دارد که بر نقش فرهنگ سازمانی مثبت در ارتقای تصمیم‌گیری تأکید کرده‌اند.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش، تأثیر نظام اطلاعاتی بر تصمیم‌گیری مدیران است. دسترسی به اطلاعات صحیح، به‌روز و قابل اعتماد، یکی از پیش‌نیازهای اساسی تصمیم‌گیری موفق محسوب می‌شود. در شرایطی که مدیران به داده‌های دقیق و جامع دسترسی داشته باشند، احتمال خطا در تصمیم‌گیری کاهش یافته و کیفیت تصمیم‌ها افزایش می‌یابد. این موضوع با نتایج پژوهش رضایی (۱۴۰۰) و لوثانز (Luthans, 2021) همخوانی دارد که نقش نظام اطلاعات مدیریت را در بهبود تصمیم‌های مدیریتی مورد تأکید قرار داده‌اند.

همچنین نتایج نشان داد که ارتباطات سازمانی مؤثر می‌تواند فرآیند تبادل اطلاعات و هماهنگی بین بخش‌های مختلف سازمان را تسهیل کند. زمانی که کانال‌های ارتباطی به‌درستی عمل کنند، مدیران قادر خواهند بود اطلاعات مورد نیاز خود را در زمان مناسب



دریافت کرده و تصمیم‌های منطقی‌تری اتخاذ نمایند. یافته‌های میرکمالی (۱۳۹۸) نیز بیانگر آن است که کیفیت ارتباطات سازمانی رابطه مستقیمی با اثربخشی تصمیم‌گیری مدیران دارد.

در زمینه مشارکت کارکنان نیز نتایج حاکی از آن است که مشارکت اعضای هیئت علمی و کارکنان در فرآیندهای مدیریتی می‌تواند موجب افزایش دقت و جامعیت تصمیم‌ها شود. استفاده از تجربیات و دیدگاه‌های مختلف سبب می‌شود مدیران با شناخت بیشتری نسبت به مسائل سازمان اقدام به تصمیم‌گیری کنند. این یافته با نتایج پژوهش قاسمی و محمدی (۱۴۰۱) و بوش (Bush, 2021) مطابقت دارد که مشارکت سازمانی را یکی از عوامل مهم موفقیت تصمیم‌های مدیریتی معرفی کرده‌اند.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل سازمانی قرار دارد و توجه به این عوامل می‌تواند نقش مهمی در ارتقای عملکرد مدیریتی ایفا کند. فراهم کردن ساختارهای سازمانی مناسب، تقویت فرهنگ مشارکتی، توسعه نظام‌های اطلاعاتی کارآمد، بهبود ارتباطات سازمانی و افزایش مشارکت کارکنان از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند کیفیت تصمیم‌گیری مدیران را بهبود بخشند. از این رو، مدیران و سیاست‌گذاران آموزش عالی باید با شناسایی و تقویت عوامل سازمانی مؤثر، زمینه لازم را برای اتخاذ تصمیم‌های علمی، منطقی و اثربخش فراهم آورند تا در نهایت کیفیت عملکرد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ارتقا یابد و اهداف نظام آموزش عالی با موفقیت بیشتری محقق شود.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار دارد؛ زیرا با هدف شناسایی و تحلیل عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی انجام شده است و نتایج آن می‌تواند در بهبود فرآیندهای مدیریتی مورد استفاده قرار گیرد. از نظر ماهیت و روش، این پژوهش توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی است که به بررسی وضعیت موجود و تبیین روابط میان متغیرها می‌پردازد. در پژوهش‌های مدیریتی، استفاده از روش‌های توصیفی-پیمایشی به دلیل امکان بررسی دیدگاه‌ها و تجربیات افراد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (سکاران، ۲۰۱۹).

جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران و مسئولان فعال در نظام آموزش عالی می‌باشد که در سطوح مختلف مدیریتی مشغول به فعالیت هستند. با توجه به گستردگی جامعه آماری، نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای انجام شد تا نمایندگی مناسبی از گروه‌های مختلف مدیریتی فراهم گردد. این روش نمونه‌گیری به کاهش سوگیری و افزایش اعتبار نتایج کمک می‌کند (میرکمالی، ۱۳۹۸).

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه استاندارد و محقق‌ساخته بوده است که بر اساس ادبیات نظری و پیشینه پژوهش طراحی شده است. پرسشنامه شامل گویه‌هایی در زمینه عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری از جمله ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، نظام اطلاعاتی، ارتباطات سازمانی و مشارکت کارکنان می‌باشد. روایی ابزار از طریق نظر متخصصان مدیریت آموزشی و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش‌های مشابه نیز استفاده از پرسشنامه به عنوان ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها رایج بوده و روایی و پایایی آن از اهمیت بالایی برخوردار است (Robbins & Judge, 2022).



برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی، شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف معیار و جداول توزیع فراوانی به کار رفته است. در بخش آمار استنباطی نیز از آزمون‌های مناسب مانند همبستگی و رگرسیون جهت بررسی روابط میان متغیرها استفاده شده است. استفاده از روش‌های آماری مناسب امکان تحلیل دقیق‌تر داده‌ها و تبیین بهتر روابط میان متغیرهای پژوهش را فراهم می‌سازد (آذر و مومنی، ۱۳۹۷).

از نظر اعتبار علمی، پژوهش حاضر تلاش کرده است با رعایت اصول روش‌شناسی علمی، از جمله انتخاب نمونه مناسب، استفاده از ابزار استاندارد و تحلیل آماری دقیق، دقت و قابلیت اعتماد نتایج را افزایش دهد. در مطالعات مدیریت آموزش عالی نیز تأکید شده است که رعایت اصول روش‌شناسی صحیح نقش مهمی در افزایش اعتبار یافته‌های پژوهشی دارد. (Bush, 2021)

در مجموع، روش‌شناسی این پژوهش به گونه‌ای طراحی شده است که بتواند تصویری دقیق از وضعیت عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی ارائه دهد و زمینه لازم را برای تحلیل علمی و ارائه پیشنهادها کاربردی فراهم سازد.

ابزار پژوهش

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه ساختارمند و محقق‌ساخته بوده است که با هدف سنجش عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی طراحی شده است. طراحی این ابزار بر اساس مبانی نظری مدیریت آموزشی و بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط انجام گرفته و تلاش شده است تا تمامی ابعاد مهم عوامل سازمانی از جمله ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، نظام اطلاعاتی، ارتباطات سازمانی، سبک رهبری و میزان مشارکت کارکنان در آن لحاظ شود. استفاده از پرسشنامه به عنوان ابزار اصلی در پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی در حوزه مدیریت آموزشی، به دلیل امکان جمع‌آوری داده‌های گسترده و قابل مقایسه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (سکاران، ۲۰۱۹).

پرسشنامه طراحی شده شامل مجموعه‌ای از گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) بوده است. هر یک از گویه‌ها به گونه‌ای تدوین شده‌اند که بتوانند میزان تأثیر هر یک از عوامل سازمانی بر فرآیند تصمیم‌گیری مدیران را مورد سنجش قرار دهند. در طراحی ابزار، تلاش شده است تا سادگی، وضوح و قابلیت فهم گویه‌ها برای پاسخ‌دهندگان حفظ شود تا از بروز خطا در پاسخ‌گویی جلوگیری گردد.

روایی ابزار پژوهش از طریق روایی صوری و محتوایی مورد بررسی قرار گرفته است. در این مرحله، پرسشنامه در اختیار چند تن از متخصصان و اساتید حوزه مدیریت آموزشی قرار گرفت و نظرات آنان در زمینه اصلاح، حذف یا افزودن گویه‌ها اعمال شد. این رویکرد در پژوهش‌های مدیریتی به عنوان یکی از روش‌های معتبر برای اطمینان از روایی ابزار شناخته می‌شود (میرکمالی، ۱۳۹۸). همچنین در پژوهش‌های مشابه نیز تأکید شده است که استفاده از نظر خبرگان نقش مهمی در ارتقای کیفیت ابزارهای پژوهشی دارد (Bush, 2021).

پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. در این پژوهش، پس از اجرای مقدماتی پرسشنامه بر روی یک نمونه محدود، ضریب پایایی برای کل ابزار و همچنین برای هر یک از مؤلفه‌ها محاسبه شد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد



مناسب ابزار برای استفاده در مطالعه اصلی بود. در پژوهش‌های مدیریت و رفتار سازمانی، آلفای کرونباخ یکی از رایج‌ترین شاخص‌ها برای سنجش پایایی ابزارهای اندازه‌گیری به شمار می‌رود. (Robbins & Judge, 2022)

در مجموع، ابزار پژوهش حاضر با تکیه بر مبانی نظری معتبر و با رعایت اصول علمی طراحی و اعتباریابی شده است تا بتواند داده‌های دقیق و قابل اعتمادی را در زمینه بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی فراهم کند. این ابزار امکان تحلیل جامع متغیرهای مورد مطالعه را فراهم ساخته و زمینه لازم برای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش را مهیا می‌سازد.

محدودیت‌ها و چالش‌ها

هر پژوهشی در مسیر اجرا با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و چالش‌ها مواجه است که می‌تواند بر روند گردآوری داده‌ها، تحلیل نتایج و تعمیم‌پذیری یافته‌ها تأثیر بگذارد. پژوهش حاضر نیز در بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی با برخی محدودیت‌ها روبه‌رو بوده است که توجه به آن‌ها برای تفسیر دقیق‌تر نتایج ضروری است.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش، محدودیت زمانی و دسترسی به جامعه آماری بوده است. مدیران آموزش عالی به دلیل مشغله‌های اداری و اجرایی، زمان محدودی برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها داشتند که این امر در برخی موارد موجب تأخیر در جمع‌آوری داده‌ها شد. چنین چالشی در پژوهش‌های مدیریتی و سازمانی امری رایج محسوب می‌شود و می‌تواند بر سرعت اجرای تحقیق تأثیر بگذارد (سکاران، ۲۰۱۹).

از دیگر محدودیت‌ها می‌توان به احتمال سوگیری در پاسخ‌دهی اشاره کرد. از آنجا که ابزار پژوهش مبتنی بر پرسشنامه خودگزارشی بوده است، این امکان وجود دارد که برخی از پاسخ‌دهندگان به دلایل مختلفی مانند تمایل به ارائه پاسخ‌های مطلوب اجتماعی یا احتیاط در بیان دیدگاه‌های واقعی، پاسخ‌هایی غیرکاملاً دقیق ارائه داده باشند. این موضوع در پژوهش‌های رفتاری و سازمانی همواره به عنوان یکی از چالش‌های اصلی مطرح است. (Robbins & Judge, 2022)

همچنین محدودیت در دسترسی به برخی مدیران ارشد و تصمیم‌گیران سطح بالای آموزش عالی نیز از دیگر چالش‌های پژوهش بوده است. در بسیاری از موارد، به دلیل حساسیت موضوع تصمیم‌گیری سازمانی و مشغله‌های مدیریتی، امکان همکاری کامل برخی از افراد فراهم نشده است که این امر می‌تواند بر گستردگی داده‌ها تأثیرگذار باشد. (Bush, 2021)

از نظر روش‌شناسی نیز، استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه، علی‌رغم مزایای فراوان، دارای محدودیت‌هایی از جمله عدم امکان بررسی عمیق‌تر برخی متغیرها و روابط پیچیده میان عوامل سازمانی است. این محدودیت موجب می‌شود که تفسیر نتایج بیشتر در سطح توصیفی و همبستگی باقی بماند و نیاز به مطالعات کیفی یا ترکیبی برای تحلیل عمیق‌تر احساس شود (میرکمالی، ۱۳۹۸).

یکی دیگر از چالش‌های این پژوهش، تعمیم‌پذیری نتایج است. با توجه به اینکه جامعه آماری محدود به بخشی از مدیران نظام آموزش عالی بوده است، ممکن است نتایج به طور کامل قابل تعمیم به تمامی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سطوح مختلف نباشد.



در پژوهش‌های مدیریتی نیز همواره تأکید می‌شود که شرایط سازمانی و محیطی می‌تواند بر میزان تعمیم‌پذیری یافته‌ها تأثیرگذار باشد. (Hoy & Miskel, 2020)

در نهایت می‌توان گفت با وجود محدودیت‌ها و چالش‌های ذکر شده، تلاش شده است تا با رعایت اصول علمی در طراحی ابزار، نمونه‌گیری و تحلیل داده‌ها، دقت و اعتبار نتایج تا حد امکان حفظ شود. این محدودیت‌ها می‌توانند زمینه‌ساز انجام پژوهش‌های آتی با رویکردهای گسترده‌تر، روش‌های ترکیبی و نمونه‌های آماری بزرگ‌تر باشند تا تصویر جامع‌تری از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی ارائه گردد.

یافته‌ها

در این پژوهش، داده‌های گردآوری‌شده از مدیران نظام آموزش عالی با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج نشان داد که عوامل سازمانی نقش معناداری در تصمیم‌گیری مدیران دارند. بررسی میانگین‌ها و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها بیانگر آن است که همه عوامل مورد مطالعه در حد بالاتر از میانگین نظری قرار دارند و این موضوع نشان‌دهنده اهمیت بالای عوامل سازمانی در فرآیند تصمیم‌گیری مدیران است (میرکمالی، ۱۳۹۸).

نتایج نشان داد که «فرهنگ سازمانی» بالاترین میانگین و بیشترین تأثیر را در میان متغیرهای مورد بررسی داشته است. این یافته بیانگر آن است که وجود فرهنگ سازمانی مبتنی بر اعتماد، همکاری و مشارکت، نقش کلیدی در بهبود کیفیت تصمیم‌گیری مدیران دارد. در این راستا، مدیرانی که در محیط‌های حمایتی فعالیت می‌کنند، توانایی بیشتری در تحلیل مسائل و انتخاب گزینه‌های مناسب دارند. این نتیجه با پژوهش‌های (Bush 2021) همسو است که فرهنگ سازمانی را یکی از عوامل اساسی در مدیریت آموزش عالی معرفی کرده است.

در رتبه بعدی، «نظام اطلاعاتی» قرار دارد که نتایج نشان داد دسترسی به اطلاعات دقیق، به‌روز و قابل اعتماد تأثیر قابل توجهی بر سرعت و کیفیت تصمیم‌گیری دارد. هرچه سیستم‌های اطلاعاتی در سازمان کارآمدتر باشند، تصمیم‌های مدیریتی نیز مبتنی بر شواهد و دقیق‌تر خواهند بود. این یافته با نتایج (Robbins & Judge 2022) و (Luthans 2021) همخوانی دارد که نقش اطلاعات را در تصمیم‌گیری سازمانی بسیار مهم می‌دانند.

همچنین «ارتباطات سازمانی» یکی دیگر از عوامل مهم شناسایی شد که نقش قابل توجهی در تسهیل جریان اطلاعات و هماهنگی میان بخش‌های مختلف سازمان دارد. نتایج نشان داد هرچه ارتباطات شفاف‌تر و ساختارمندتر باشد، کیفیت تصمیم‌گیری مدیران افزایش می‌یابد. این موضوع با یافته‌های میرکمالی (۱۳۹۸) نیز هم‌راستا است.

در مورد «مشارکت کارکنان» نیز نتایج بیانگر آن است که مشارکت اعضای هیئت علمی و کارکنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری موجب افزایش دقت تصمیم‌ها و پذیرش بهتر آن‌ها در سازمان می‌شود. این یافته با پژوهش‌های (Hoy & Miskel 2020) همسو است که بر اهمیت مشارکت در سازمان‌های آموزشی تأکید دارند.



در نهایت، «ساختار سازمانی» نیز تأثیر معناداری بر تصمیم‌گیری مدیران داشت، اما نسبت به سایر عوامل از اهمیت کمتری برخوردار بود. نتایج نشان داد ساختارهای انعطاف‌پذیر و غیرمتمرکز می‌توانند زمینه تصمیم‌گیری سریع‌تر و کارآمدتر را فراهم کنند، در حالی که ساختارهای بوروکراتیک ممکن است این فرآیند را محدود کنند. این نتیجه با دیدگاه (Daft (2022) مطابقت دارد که ساختار سازمانی را یکی از عوامل کلیدی در عملکرد مدیریتی می‌داند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل نرم‌افزاری سازمانی مانند فرهنگ، اطلاعات و ارتباطات نقش پررنگ‌تری نسبت به عوامل ساختاری در تصمیم‌گیری مدیران آموزش عالی دارند و توجه به این عوامل می‌تواند به بهبود کیفیت مدیریت در دانشگاه‌ها کمک کند.

پیشنهادهای

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر درباره عوامل سازمانی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی، مجموعه‌ای از پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی ارائه می‌شود که می‌تواند به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و ارتقای عملکرد مدیریتی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کمک کند.

در وهله نخست، پیشنهاد می‌شود مدیران آموزش عالی به تقویت فرهنگ سازمانی مبتنی بر اعتماد، مشارکت و همکاری توجه ویژه داشته باشند. نتایج پژوهش نشان داد که فرهنگ سازمانی بیشترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری مدیران دارد؛ بنابراین ایجاد فضای سازمانی حمایتگر و مشارکتی می‌تواند زمینه اتخاذ تصمیم‌های اثربخش‌تر را فراهم سازد. این موضوع با تأکید پژوهشگران حوزه مدیریت آموزشی بر نقش فرهنگ سازمانی در بهبود عملکرد مدیریتی همسو است (میرکمالی، ۱۳۹۸).

همچنین پیشنهاد می‌شود نظام اطلاعاتی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تقویت شود. دسترسی به اطلاعات دقیق، به‌روز و یکپارچه می‌تواند کیفیت تصمیم‌گیری مدیران را به شکل قابل توجهی افزایش دهد. در این راستا استفاده از سامانه‌های مدیریت اطلاعات و فناوری‌های نوین آموزشی توصیه می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های (Luthans (2021 و Robbins & Judge (2022) همخوانی دارد که بر اهمیت اطلاعات در تصمیم‌گیری تأکید کرده‌اند.

از سوی دیگر، بهبود ارتباطات سازمانی نیز به عنوان یکی از عوامل کلیدی پیشنهاد می‌شود. ایجاد کانال‌های ارتباطی شفاف و مؤثر بین مدیران، اعضای هیئت علمی و کارکنان می‌تواند جریان اطلاعات را تسهیل کرده و تصمیم‌گیری را کارآمدتر نماید. این موضوع در پژوهش‌های (Bush (2021 نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

در زمینه ساختار سازمانی نیز پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها به سمت ساختارهای غیرمتمرکز و انعطاف‌پذیر حرکت کنند. چنین ساختارهایی می‌توانند سرعت تصمیم‌گیری را افزایش داده و امکان پاسخگویی بهتر به تغییرات محیطی را فراهم کنند. این پیشنهاد با یافته‌های (Daft (2022 همسو است که بر مزایای ساختارهای منعطف در سازمان‌ها تأکید دارد.



همچنین توصیه می‌شود میزان مشارکت کارکنان و اعضای هیئت علمی در فرآیندهای تصمیم‌گیری افزایش یابد. مشارکت دادن افراد در تصمیم‌گیری‌های سازمانی موجب افزایش تعهد، رضایت شغلی و کیفیت تصمیم‌ها می‌شود. این موضوع با نتایج پژوهش قاسمی و محمدی (۱۴۰۱) و (Hoy & Miskel, 2020) مطابقت دارد.

در حوزه پژوهشی نیز پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده به بررسی عوامل فردی و محیطی مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران در کنار عوامل سازمانی بپردازند تا تصویر جامع‌تری از فرآیند تصمیم‌گیری در نظام آموزش عالی ارائه شود. همچنین استفاده از روش‌های کیفی یا ترکیبی می‌تواند به درک عمیق‌تر این پدیده کمک کند. در پژوهش‌های مدیریت آموزشی نیز تأکید شده است که ترکیب روش‌های کمی و کیفی می‌تواند اعتبار یافته‌ها را افزایش دهد (سکاران، ۲۰۱۹).

در نهایت، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران حوزه آموزش عالی با طراحی برنامه‌های توانمندسازی مدیریتی، زمینه ارتقای مهارت‌های تصمیم‌گیری مدیران را فراهم سازند. آموزش مهارت‌های تحلیلی، استفاده از داده‌ها در تصمیم‌گیری و تقویت تفکر سیستمی می‌تواند نقش مهمی در بهبود عملکرد مدیران داشته باشد. این رویکرد با دیدگاه‌های نظری در حوزه مدیریت آموزشی و رفتار سازمانی نیز همسو است. (Bush, 2021)

نتیجه‌گیری

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل سازمانی قرار دارد. بررسی یافته‌ها بیانگر آن است که عواملی مانند فرهنگ سازمانی، نظام اطلاعاتی، ارتباطات سازمانی، ساختار سازمانی و میزان مشارکت کارکنان نقش مهمی در کیفیت، سرعت و اثربخشی تصمیم‌گیری مدیران ایفا می‌کنند. در میان این عوامل، فرهنگ سازمانی بیشترین تأثیر را داشته و نشان می‌دهد که ارزش‌ها، هنجارها و فضای حاکم بر سازمان می‌تواند زمینه‌ساز یا محدودکننده تصمیم‌های مدیریتی باشد. این نتیجه با دیدگاه‌های نظری مدیریت آموزشی و پژوهش‌های پیشین هم‌راستا است و بر اهمیت عوامل نرم‌افزاری در مقایسه با عوامل ساختاری تأکید دارد (میرکمالی، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، نتایج نشان داد که دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌روز و همچنین وجود ارتباطات سازمانی مؤثر، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود فرآیند تصمیم‌گیری دارد. در واقع، هرچه جریان اطلاعات در سازمان شفاف‌تر و سریع‌تر باشد، مدیران قادر خواهند بود



تصمیم‌های منطقی‌تر و مبتنی بر شواهد اتخاذ کنند. این یافته با نظریه‌های رفتار سازمانی نیز همخوانی دارد که بر اهمیت اطلاعات در تصمیم‌گیری تأکید می‌کنند. (Robbins & Judge, 2022)

همچنین مشخص شد که ساختار سازمانی و میزان تمرکز یا عدم تمرکز در سازمان می‌تواند بر استقلال عمل مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری آن‌ها تأثیرگذار باشد. ساختارهای منعطف و غیرمتمرکز زمینه را برای واکنش سریع‌تر به تغییرات محیطی فراهم می‌کنند، در حالی که ساختارهای بوروکراتیک ممکن است فرآیند تصمیم‌گیری را کندتر کنند. این موضوع با نتایج مطالعات مدیریت آموزش عالی نیز هماهنگ است. (Bush, 2021)

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که مشارکت کارکنان و اعضای هیئت علمی در فرآیندهای تصمیم‌گیری، موجب افزایش کیفیت تصمیم‌ها و پذیرش بهتر آن‌ها در سطح سازمان می‌شود. این امر بیانگر اهمیت رویکرد مشارکتی در مدیریت دانشگاهی است که می‌تواند به افزایش تعهد سازمانی و بهبود عملکرد کلی منجر شود. (Hoy & Miskel, 2020)

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که بهبود تصمیم‌گیری مدیران در نظام آموزش عالی نیازمند توجه هم‌زمان به عوامل مختلف سازمانی است. تقویت فرهنگ سازمانی، توسعه نظام‌های اطلاعاتی کارآمد، بهبود ارتباطات، اصلاح ساختارهای سازمانی و افزایش مشارکت کارکنان از جمله اقداماتی است که می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری منجر شود. این نتایج نشان می‌دهد که موفقیت مدیران آموزشی تنها به مهارت‌های فردی محدود نیست، بلکه به شدت تحت تأثیر شرایط و ویژگی‌های سازمانی قرار دارد. بنابراین، توجه به این عوامل می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کارایی و اثربخشی نظام آموزش عالی ایفا کند.

منابع فارسی

- احمدی، حمیدرضا. مدیریت رفتار سازمانی. ص ۴۵-۱۲۰، ۱۳۹۸، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آذر، عادل؛ مومنی، منصور. کاربرد آمار در مدیریت. ص ۳۰-۲۱۰، ۱۳۹۷، تهران: انتشارات سمت.
- اسکندری، فاطمه. مدیریت آموزشی نوین. ص ۵۵-۱۴۰، ۱۴۰۰، تهران: انتشارات رشد.
- ساعتچی، محمود. روانشناسی سازمانی. ص ۷۰-۱۸۰، ۱۴۰۰، تهران: انتشارات ویرایش.
- ساکي، محمدرضا. اصول مدیریت در آموزش عالی. ص ۲۵-۱۱۰، ۱۳۹۹، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.



سکاران، اوما. روش‌های تحقیق در مدیریت. ترجمه فارسی، ص ۶۰-۲۲۰، ۱۳۹۹، تهران: انتشارات مهربان.

قاسمی، علی؛ محمدی، رضا. تصمیم‌گیری در سازمان‌های آموزشی. ص ۴۰-۱۳۰، ۱۴۰۱، تهران: انتشارات علم و دانش.

میرکمالی، سید محمد. مدیریت آموزشی. ص ۱۰-۲۰، ۱۳۹۸، تهران: انتشارات سمت.

نصیری، زهرا. فرهنگ سازمانی در آموزش عالی. ص ۳۵-۱۲۵، ۱۴۰۰، تهران: انتشارات نور علم.

همتی، محمود. ساختار سازمانی و بهره‌وری. ص ۵۰-۱۶۰، ۱۳۹۹، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

منابع انگلیسی

- Bush, T. Educational Leadership and Management. pp. 15-180, 2021, London: Sage Publications.
- Daft, R. L. Organization Theory and Design. pp. 20-210, 2022, Boston: Cengage Learning.
- Hoy, W. K., & Miskel, C. G. Educational Administration. pp. 30-250, 2020, New York: McGraw-Hill.
- Luthans, F. Organizational Behavior. pp. 25-300, 2021, New York: McGraw-Hill Education.
- Robbins, S. P., & Judge, T. A. Organizational Behavior. pp. 10-280, 2022, New York: Pearson.
- Schermerhorn, J. R. Management. pp. 40-220, 2019, New Jersey: Wiley.